

نقدی بر کتاب مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران

منصور زراءنژاد*

حمیدرضا عبداللهیان**

چکیده

در این مقاله کتاب مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم: مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران، تألیف مهدی طغیانی و دیگران، نقد و بررسی شده است. این مقاله در چهار بخش مقدمه، معرفی و توصیف اثر، ارزیابی محتوایی اثر، و نتیجه‌گیری و پیش‌نهادات تنظیم شده است. نتایج این مقاله نشان داد اثر به‌لحاظ ابعاد شکلی و فنی، ویرایش ادبی، استنادات، و ارجاعات ایرادهای فراوانی دارد. متن روان و رساست. فصل‌بندی کتاب مناسب، ولی انسجام درونی مطالب نامناسب است. قدرت استدلال، تحلیل، و تبیین علمی اثر راضی‌کننده نیست. اثر به‌عنوان منبع درسی کاربرد آموزشی ندارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، تحریم اقتصادی، تاریخچه تحریم، اقتصاد ایران.

۱. مقدمه

تاریخ جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که سطح روابط بین ایران و آمریکا به‌دلایل متعدد در نازل‌ترین مرتبه است. قطع روابط دیپلماتیک و مقابله سیاسی در عرصه بین‌المللی

* استاد اقتصاد، دانشگاه شهید چمران، اهواز، m.zarran@scu.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد و بیمه دریایی، دانشگاه علوم و فنون دریایی، خرمشهر (نویسنده مسئول)

hr.abdollahian@kmsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

از نمودهای بارز سطح پایین روابط است. یکی از انواع مقابله اعمال تحریم‌های اقتصادی است که معمولاً جای‌گزین اقدامات دیپلماتیک یا تعرضات نظامی می‌شود (یزدان‌پناه ۱۳۷۴). بدون شک، اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، که اقتصاد دولتی آن متکی به درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام است، خسارات زیادی را به‌ویژه در بخش نفت و گاز وارد کرده است. علاوه بر آن، پی‌آمدهای منفی تحریم‌ها به بخش‌های دیگر اقتصادی سرایت کرده و به‌طور کلی در کاهش تولید، افزایش بی‌کاری، و تضعیف رشد اقتصادی کشور مؤثر بوده است. فقدان سیاست و راه‌کارهای مشخص و مؤثر برای مدیریت تحریم‌ها، به‌منظور مقابله با بحران‌های ناشی از آن، پی‌آمدها و اثرات منفی آن را دوچندان کرده است. با شناخت علمی، تدوین سیاست‌های مناسب، و انجام اقدامات مؤثر می‌توان اقتصاد ایران را مقاوم ساخت و آثار ناشی از تحریم‌ها را کاهش داد.

یکی از اقداماتی که می‌تواند به جریان مقابله با تحریم‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های آن کمک کند شناخت ماهیت تحریم‌ها و بررسی کانال‌های تأثیر آن‌ها در اقتصاد ایران است. برای این منظور، انجام تحقیقات و انتشار متون علمی در زمینه تحریم‌های اقتصادی، بررسی مبانی نظری، مرور تجربه‌های بین‌المللی، و تحلیل علل و پی‌آمدهای تحریم‌ها به‌دست متخصصان دانشگاهی و مسئولان اجرایی از جمله اقدامات لازم و مفید به‌شمار می‌آید. اگرچه اقداماتی در این زمینه انجام شده است، به‌گواهی ارزیابی‌های انجام‌شده، این تألیفات غالباً از نظر شکل، روش، محتوا، و فایده مطلوب نیست. تألیفاتی که تاکنون در زمینه اقتصاد مقاومتی منتشر شده است غالباً به‌صورت ترجمه مقالات، مصاحبه با کارشناسان، ارائه کلیات، یا تکرار مطالب قبلی بوده است. نقد این متون می‌تواند به خروج ادبیات اقتصاد مقاومتی از بحران کنونی کمک شایانی کند. هدف این مقاله بررسی و نقد کتاب *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم: مبانی نظری و تاریخیچه تحریم در جهان و ایران* است. بقیه مقاله در سه بخش شامل معرفی و توصیف اثر، ارزیابی محتوایی، و ارزیابی نهایی تنظیم شده است.

۲. معرفی و توصیف اثر

۱.۲ مشخصات شناس‌نامه‌ای

این کتاب را مهدی طغیانی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، با همکاری تعدادی از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دوره دکتری تخصصی علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان به‌نام‌های سیدعقیل حسینی، مرتضی درخشان، ایمان باستانی‌فر، و محمدرضا حیدری گردآوری کرده است.

۲.۲ معرفی ساختار

کتاب موردبررسی را قرارگاه پدافند اقتصادی سازمان پدافند غیرعامل کشور با همکاری دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۹۳ در هزار نسخه به‌وسیله انتشارات نیلوفران چاپ و منتشر کرد و در سال ۱۳۹۶ برای بار دوم با همان تعداد نسخه تجدید چاپ شد. این اثر به‌صورت یک پیش‌گفتار، شش فصل، و یک نمایه وازگان در ۳۵۱ صفحه تنظیم شده است.

فصل اول کتاب در ۱۴۵ صفحه مفصل‌ترین فصل کتاب است. در این فصل به مبانی نظری تحریم اقتصادی پرداخته شده است. مباحثی نظیر محدودیت‌های استفاده از تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای هدف، انواع تحریم‌های اقتصادی، و متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر هزینه‌های تحریم بحث و بررسی شده است. در این فصل، الگوهای متنوعی برای تجزیه و تحلیل موضوع تحریم اقتصادی معرفی شده است. این الگوها به چهار دسته کلی تقسیم شده است: الگوهای مبتنی بر پایه‌های اقتصاد خرد؛ الگوهای مبتنی بر با رویکرد تجارت بین‌الملل (الگوهای جاذبه و منحنی پیش‌نهاد تجارت)؛ الگوهای نظریه بازی که به رفتار استراتژیک کشورهای متخاصم می‌پردازد؛ و الگوهای نظریه انتخاب عمومی که بر اثرات رانت‌جویی گروه‌های ذی‌نفع در سیاست‌گذاری‌های تحریم تأکید می‌کند.

فصل دوم با عنوان «تاریخچه استفاده از تحریم‌های اقتصادی» سابقه تحریم‌های اقتصادی را از منظر تاریخی به چهار دوره شامل دوره جنگ جهانی اول، دوره جنگ جهانی دوم، دوره پس از جنگ جهانی دوم، و دوره تحریم در قرن بیست‌ویکم تقسیم می‌کند. براساس مندرجات این فصل، هدف اصلی از تحریم‌های اقتصادی از منظر تاریخی محدودکردن تجارت و تأمین مالی خارجی به‌منظور تحت فشار قراردادن کشورهای خاص یا افرادی مشخص برای دستیابی به اهداف سیاست‌های خارجی و به‌ظاهر برقراری امنیت بین‌المللی است. نمونه‌هایی از این تحریم طی جنگ جهانی اول عبارت است از: تحریم‌های اقتصادی انگلستان علیه افراد یا سازمان‌هایی که در کشورهای ثالث به‌سود آلمان یا به‌صورت مشترک با آن کار می‌کردند؛ تدوین فهرست سیاه آمریکا علیه آلمان بعد از ورود به جنگ جهانی اول؛ و صدور فرمان «ممنوعیت تجارت با دشمن» در سال ۱۹۱۷. در ادامه، به اقدامات سخت‌گیرانه و وسیع‌تر کشور انگلستان در سال ۱۹۴۱ با هدف تخریب صنعت آلمان و کنترل صادرات به کشورهای بی‌طرف و اجرای سیاست «بخش تجارت با دشمن» برای کنترل بانک‌ها و شرکت‌های انگلیسی، به‌عنوان نمونه‌ای از تحریم‌های اقتصادی در طول جنگ جهانی دوم اشاره شده است. سپس تمرکز آمریکا در این دوره بر کنترل

وجوه خارجی و صدور مجوز صادرات به کشورهای بی طرف، اجرای برنامه‌های تحریم اقتصادی، تصویب قانون جامع «فرمان تحریم مالی» علیه کشورهای بلوک شرق و کشورهای کمونیست آسیایی توضیح داده شده است. ادامه فصل به بررسی تحریم‌های دوره مدرن اختصاص دارد. براساس این بررسی، اغلب تحریم‌های اقتصادی علیه فعالیت‌های نظامی در دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ مربوط به توسعه سلاح کشتار جمعی به‌ویژه سلاح هسته‌ای و در دهه ۱۹۹۰ در مقابله با تروریسم توسعه‌یافته و افراد و کشورهای متهم به اقدامات تروریستی به صورت جزئی یا کلی مورد تحریم قرار گرفته‌اند. با پررنگ شدن مفاهیمی همچون حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، صلح جهانی، و فعالیت علیه سلاح‌های کشتار جمعی، تحریم‌های اقتصادی به ظاهر اهدافی متعالی را دنبال می‌کرد. ویژگی تحریم‌ها در این دوره همکاری و همراهی جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی برای اعمال تحریم‌ها بوده است. در پایان این فصل فهرستی از کلیه تحریم‌های اقتصادی ارائه شده که از سال ۱۹۱۴ تا ۲۰۱۱ علیه کشورهای مختلف اعمال شده است.

در فصل سوم با عنوان «تجربه تحریم در سایر کشورها» تجربه کشورهای نظیر آرژانتین، برزیل، شیلی، چین، کوبا، اتیوپی، السالوادور، و بسیاری از کشورهای دیگر بحث و بررسی شده است که از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی، به خصوص آمریکا، به دلایل و توجیحات مختلف مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته‌اند.

فصل چهارم به بررسی سیر تاریخی تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. در این فصل تحریم‌های آمریکا و سایر کشورهای هم‌پیمان آن علیه ایران به شش دوره تقسیم شده است: تحریم‌های ابتدای انقلاب اسلامی و جریان گروگان‌گیری (۱۹۷۹-۱۹۸۱)؛ تحریم‌های دوران جنگ عراق و ایران (۱۹۸۱-۱۹۸۸)؛ تحریم‌های دوران بازسازی پس از جنگ (۱۹۸۹-۱۹۹۲)؛ تحریم‌های دوره ریاست جمهوری کلینتون (۱۹۹۳-۲۰۰۱)؛ تحریم‌های پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱؛ و تحریم‌های پس از صدور قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل. در ادامه به عوامل اشاره شده است که آثار منفی تحریم‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. این عوامل عبارت است از استفاده از طبیعت تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها؛ وجود درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت؛ اتخاذ استراتژی توسعه‌ای جای‌گزینی واردات؛ و رقابت جهانی و عدم همراهی کامل کشورهای مستقل و نوظهور با کشورهای تحریم‌کننده.

موضوع فصل پنجم راه‌های مقابله با تحریم‌های اقتصادی است. در مقدمه این فصل پس از استناد به نظریات هیرشمن (Hirschman 1945)، گالتونگ (Galtung 1967)، و فریدمن

(Friedman 1983) نتیجه‌گیری شده است که تحریم‌های اقتصادی ابزار مؤثری برای پیش‌برد اهداف سیاسی کشورهای تحریم‌کننده نیست. در این فصل به مهم‌ترین راه‌کارهای مقابله با تحریم‌های اقتصادی اشاره شده است. این روش‌ها عبارت‌اند از: یافتن راه‌حل‌های موازی برای ایجاد قابلیت انعطاف‌پذیری؛ هم‌گرایی با کشورهای دارای مشترکات اقتصادی سیاسی؛ کاهش وابستگی‌های غذایی، دارویی، و نیازهای اساسی به خارج با به‌کارگیری استعدادهای داخلی؛ استفاده از فضای پنهان‌کاری شرکای تحریم‌کننده به‌منظور استفاده از خلأ تجاری با کشور تحریم‌شونده؛ کاهش اتکای بودجه‌های دولتی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز؛ استفاده از دیپلماسی عمومی و خارجی؛ و به‌کارگیری ظرفیت‌های حقوقی برای طرح دعوا علیه تحریم‌های غیرقانونی در محاکم بین‌المللی.

در فصل ششم، برخی از کتب منتشرشده در زمینه تحریم اقتصادی به مخاطبان معرفی شده است. از جمله آثار معرفی شده می‌توان به تحریم اقتصادی: قانون و سیاست عمومی (Economic Sanctions: Law and Public Policy) تألیف الکساندر (Alexander)؛ ایالات متحده و ایران: تحریم‌ها، جنگ‌ها، و سیاست مهار دوگانه (The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment) به‌قلم فیاض‌منش (Fayazmanesh)؛ تحریم‌های اقتصادی: سیاست بین‌المللی و اقتصاد سیاسی در عمل (Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work) نوشته ایلر (Eyler)؛ و تناقض تحریم‌ها: سیاست‌مداری اقتصادی و روابط بین‌المللی (The Sanctions Paradox: Economic Statecraft and International Relations) اثر درزرنر (Drezner) اشاره کرد.

۳.۲ کیفیت شکلی و فنی

برای ارزیابی کیفیت شکلی و فنی اثر مواردی نظیر چگونگی طرح روی جلد کتاب، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، اغلاط املایی، کیفیت چاپ، و صحافی ارزیابی می‌شوند. قطع کتاب با ابعاد ۱۶/۵ × ۲۳ سانتی‌متر در قطع وزیری چاپ شده است. تصاویر روی جلد و پشت جلد کتاب ساده و فاقد پیام تصویری مناسب است. عنوان کتاب طولانی و در سه سطر درج شده است. این شیوه عنوان‌نویسی استاندارد و مناسب نیست. درج آرم‌ها و عناوین دانشگاه اصفهان و سازمان پدافند غیرعامل بر روی جلد کتاب دلالت لازم بر همکاری این مؤسسه‌ها در انتشار اثر دارد و شاید نیازی به یادآوری همکاری این دو در

گردآوری این اثر در روی جلد نیست. تصویر مبهم بازی بولینگ (Bowling Game) روی جلد از نقاط ضعف آن به‌شمار می‌رود. برخورد توپ بولینگ به پین‌های (pin) بازی این موضوع را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند که کشورهای تحریم‌کننده توانسته‌اند به اهداف و مقاصد خود از تحریم‌های اقتصادی دست پیدا کنند. اثر به‌لحاظ حروف‌نگاری، اندازه، و نوع قلم به‌کاررفته خوب نیست. عدم رعایت اندازه قلم در عناوین مختلف براساس سلسله‌مراتب آن‌ها (از بزرگ به کوچک) باعث شده است که ارتباط عناوین با یک‌دیگر مشخص نباشد. این بی‌توجهی از اشکالات اساسی حروف‌نگاری اثر محسوب می‌شود. از نقاط ضعف دیگر حروف‌نگاری عدم شماره‌گذاری مسلسل عناوین است که تشخیص ارتباط بین مطالب را با مشکل مواجه ساخته است. تعداد این اشکالات در سرتاسر اثر و در تمامی عناوین آن به‌قدری متعدد و متنوع است که ذکر یک‌به‌یک آن‌ها موجب تطویل است. صفحه‌آرایی کتاب نسبتاً خوب ارزیابی می‌شود. لیکن در مواردی ضعف‌هایی مانند عدم هم‌ترازی در سطرهای آخر برخی از صفحات و سفیدباقی ماندن بخشی از صفحه به‌چشم می‌خورد. این اشکال در صفحات ۲۷، ۲۹، ۵۱، ۸۷، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۲۷، و ۲۳۳ قابل مشاهده است. از نقاط ضعف دیگر صفحه‌آرایی بی‌نظمی در چیدمان جدول‌ها به‌ویژه در فصل اول کتاب است. بسیاری از جدول‌ها، علی‌رغم امکان قرارگرفتن آن‌ها در یک صفحه، به‌صورت دو تکه و در دو صفحه و گاهی با فاصله چند صفحه قرار داده شده‌اند. جدول ۳ در صفحات ۱۱۵ و ۱۱۶ و ادامه آن در صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱ آمده است. تنظیم جدول ۴ در صفحات ۱۳۸ و ۱۳۹، جدول ۵ در صفحات ۱۴۱ و ۱۴۲، جدول ۱۰ در صفحات ۱۵۱ و ۱۵۲، جدول ۱۱ در صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴، و جدول ۸ در فصل دوم در صفحات ۱۸۷ و ۱۸۸ نمونه‌هایی از این وضعیت نابه‌سامان است. ایراد دیگر جدول‌ها چیدمان چپ به راست متن داخل آن‌هاست.

۴.۲ ویرایش ادبی

باوجود این‌که اغلب مباحث و مطالب مطرح‌شده در این اثر از کتاب‌ها و مقاله‌های انگلیسی ترجمه و اقتباس شده است، لیکن متن آن روان، سلیس، و قابل فهم است. اما این اثر ویراستاری ادبی نشده است و از حیث رعایت قواعد نگارش و اصول ویرایش ضعیف ارزیابی می‌شود. عدم استفاده صحیح از نشانه‌های سجاوندی، سرهم‌بودن واژه‌های ترکیبی، و استفاده از فاصله به‌جای نیم‌فاصله در متن از مهم‌ترین اشکالات نگارشی اثر

محسوب می‌شود. این اشکال به صورت مکرر و در تمامی متن آشکار است، به گونه‌ای که نیازی به ذکر نمونه نیست. از لحاظ املائی نیز در موارد معدودی اغلاطی مشاهده شد. برای نمونه می‌توان به واژگان غلط «کشورویی» به جای «کشوری» در سطر اول صفحه ۱۴؛ سطر ۱۳ صفحه ۷۲ و سطر ۹ صفحه ۲۷۹؛ «چهر» به جای «چهار» در سطر ۱۱ صفحه ۲۲؛ نوشتن دو بار پشت سرهم «که» در سطر ۶ صفحه ۶۷؛ «آمرسکا» به جای «امریکا» در سطر اول صفحه ۱۳۱؛ «کد گزاری» به جای «کدگذاری» در سطر اول صفحه ۱۳۷؛ «عمتهم» به جای «متهم» در خط آخر صفحه ۱۷۳؛ «بلحاظ» به جای «به‌لحاظ» در سطر ۶ صفحه ۸۵ و سطر ۸ صفحه ۹۷؛ «نیرو کار» به جای «نیروی کار» در سطر ۱۰ صفحه ۳۱۴؛ «بارار» به جای «بازار» در سطر ۷ صفحه ۳۱۸، و استفاده از «نقطه» به جای علامت «اعشار» در نوشتن اعداد فارسی در تمامی صفحات کتاب اشاره کرد. از اشکالات دیگر شیوه نگارش شماره گذاری پانویس‌های انگلیسی با ارقام فارسی است که در سرتاسر کتاب قابل مشاهده است. استفاده از واژه‌های انگلیسی در متن فارسی بدون ذکر معادل‌های فارسی آن‌ها از نقاط ضعف دیگر به‌شمار می‌رود. به‌کاربردن واژگان off shore در صفحه ۱۱، GNP در صفحه ۲۱، OPEN در صفحه ۱۲۷، HSE در صفحه ۱۳۲، ZANU-PF در صفحه ۱۹۰، GDP در صفحه ۲۳۴، IPC در صفحه ۲۴۶، CNRS در صفحه ۲۸۰، SESAME در صفحه ۲۸۱، AIPA در صفحه ۲۸۴، و Cost-plus در صفحه ۳۲۱ نمونه‌هایی از این نقطه‌ضعف است.

۵.۲ میزان رعایت اصول ارجاع‌دهی

تعداد، تنوع، و اعتبار منابع مورد استناد از معیارهای ارزش‌یابی کتب علمی و تخصصی محسوب می‌شود. هرچند به‌طور مستقل در تمامی فصول اثر از کتب و مقالات زیادی در فهرست منابع نام برده شده است، لیکن از بسیاری از این منابع در متن استفاده نشده یا نامی از آن‌ها برده نشده است. در این خصوص می‌توان به موارد زیادی اشاره کرد. عسکری و همکاران (Askari 2003)، کراوفورد و کلتوز (Crawford and Klotz 1999)، و نیوکمپ (Newcomb 2002) در فهرست منابع فصل اول، الکساندر (Alexander 2009)، والنستین و استایبانو (Wallenstein and Staibano 2005)، و بادر و بانگرت (Bader and Bangerter 2001) در فهرست منابع فصل دوم، تقریباً تمامی منابع موجود در فهرست منابع فصول ۳ و ۴، و داکسی (Daxey 1987) در فهرست منابع فصل پنجم از جمله منابعی است که از آن‌ها در متن اثر استفاده‌ای نشده است. از اشکالات دیگر ارجاع‌دهی وجود منابعی است که در متن اثر

به آن‌ها استناد شده است، لیکن ذکری از آن‌ها در فهرست منابع نشده است. در این خصوص نیز به مواردی برای نمونه اشاره می‌شود: درززر (۲۰۰۳) در صفحه ۵۷، دامینتس (۱۹۹۶)، هارد و مک‌گری (۱۹۹۷)، چاپلی و پیستافری (۲۰۰۰)، استیفنز (۲۰۰۴)، یلیس و روزن (۱۹۷۹)، کتیس (۱۹۷۱)، اکووارا و همکاران (۲۰۰۳)، و دلاونده و کوهلر (۲۰۰۹) در صفحه ۱۱۷، کولیر و همکاران (۲۰۰۳)، و رویمپ و همکاران (۲۰۰۹) در صفحه ۱۱۸، هایگ (۱۹۸۴) در صفحه ۱۲۱، ورنس (۱۹۸۳) در صفحه ۱۲۳، مایو و میری (۱۹۹۰) در صفحه ۱۲۹، و درززر (۱۹۹۹) در صفحه ۱۳۲ از فصل اول کتاب؛ هم‌چنین فیتز جرالده (۱۹۹۹) در صفحه ۱۶۰، برمان و گارسون (۱۹۶۷) در صفحه ۱۶۷، شاو (۱۹۴۰) در صفحه ۱۷۱، خزانه‌داری آمریکا (۱۹۴۲) در صفحه ۱۷۵، کندریکت (۱۹۹۰) در صفحه ۱۷۷، و بوش اسکاوگرافت (۱۹۹۸) در صفحه ۱۸۰ از فصل دوم؛ مارشال و همکاران (۱۹۸۷) و ساموئل سچود (۱۹۸۸) در صفحه ۲۸۲، شیلام (۲۰۰۰) در صفحه ۲۸۳، کمپ (۱۹۹۴) و کامن (۱۹۹۵) در صفحه ۲۸۵، کلاوسون (۱۹۹۹، ۱۹۹۷) در صفحه ۲۸۶، گاردین (۲۰۰۰) در صفحه ۳۸۸، حیدری مطلق (۱۳۹۰) در صفحه ۲۹۴، بی‌نیاز (۱۳۹۰) در صفحه ۲۹۷، کوپر (۲۰۰۵) در صفحه ۳۰۰، و هافباور و همکاران (۲۰۱۳) در صفحه ۳۰۲ از فصل چهارم؛ و داودی و داجانی (۱۹۸۳) در صفحه ۳۰۷؛ شبک (۲۰۰۰) در صفحه ۳۱۲؛ و بولک والسویل (۲۰۰۰) در صفحه ۳۱۳ از فصل پنجم.

ذکر آدرس کامل یک منبع در پانویشت متن اصلی و عدم ذکر آن در فهرست منابع از اشکالات دیگر نحوه ارجاعات و استنادات این اثر به‌شمار می‌رود. این ضعف به‌طور مثال در صفحات ۱۵۹، ۲۶۳، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، و ۲۹۹ قابل مشاهده است. عدم به‌کارگیری روش فهرست‌نویسی منابع استاندارد مانند روش ای. پی. ای. (APA) و عدم توجه به ترتیب الفبایی منابع، کیفیت استناد و ارجاع این اثر را بسیار پایین آورده است. فراوانی این اشکال در کتاب‌نامه تمامی فصول کتاب به‌قدری زیاد و متنوع است که نیاز به ذکر نمونه نیست. در واقع، وجود این همه بی‌نظمی و بی‌دقتی در کتاب‌نامه شگفت‌انگیز است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱.۳ ابعاد آموزشی

در برنامه آموزشی کارشناسی علوم اقتصادی دو واحد «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی» (تخصصی) و در برنامه کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دو واحد درس

اختیاری «اقتصاد مقاومتی» تعریف شده است. سرفصل‌های اجمالی این دو درس در مجموع شامل تعاریف، موانع تحقق، پیشینه، و تجربیات اقتصاد مقاومتی، راه‌بردها و سیاست‌های مقابله با تحریم‌ها، و بررسی نقاط آسیب اقتصادی کشور و الزامات اقتصاد مردم‌محور است. مباحث اثر موردبررسی در ارتباط با برخی از این سرفصل‌هاست. اما اثر از لحاظ جامعیت، تناسب با اهداف آموزشی، سطح علمی، و استفاده از ابزار علمی لازم برای تفهیم مطالب فاقد ویژگی‌های لازم یک منبع درسی استاندارد است.

۲.۳ مسئله‌مندی

مراد از مسئله‌مند بودن یک اثر این است که اثر حاصل مواجهه محقق با یک مسئله (یا مشکل) و تلاش روش‌مند علمی محقق برای حل آن مسئله است. در این صورت، اثر باید برای پاسخ حدسی، اجمالی، و اولیه به مسئله فرضیه یا فرضیه‌هایی ارائه کند و آن فرضیه یا فرضیه‌ها را با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب بیازماید. اثر موردبررسی به این معنا مسئله‌مند نیست، بلکه موضوع‌محور است؛ زیرا در مقام تحقیق، مقدمات دور، مبانی نظری، تاریخچه، ابعاد، و آثار اقتصاد مقاومتی را موردتوجه قرار داده است. اگر مسئله‌مندی را مترادف با پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور بدانیم، در این صورت، تلاش اثر در این جهت بوده است. اما با توجه به روش و محتوا، موفقیت قابل‌قبولی نداشته است.

۳.۳ نظم منطقی و انسجام درونی

تطابق مناسب و دقیق محتوای اثر با عنوان آن، رعایت نظم منطقی در ترتیب فصول از جهت تقدم و تأخر لازم، و نیز ترتیب مناسب و انسجام درون مطالب هر فصل از ویژگی‌های مهم اثر علمی است. در کتاب موردبررسی، تناسب خوبی بین محتوا و عنوان وجود دارد. فصل‌بندی کتاب، به‌ویژه بررسی مبانی نظری تحریم‌های اقتصادی در فصل اول، و تاریخچه تحریم‌ها در فصول بعد مطلوب است. اما مطالب مندرج درون هر فصل تسلسل و انسجام خوبی ندارند. این نقطه‌ضعف در فصل اول بیش‌تر از سایر فصول مشهود است. فصول دیگر کتاب به‌دلیل پرداختن صرف به موضوع تاریخچه تحریم‌ها در ایران و جهان از کیفیت نسبتاً بهتری برخوردارند. طرح موضوع «محدودیت‌های استفاده از تحریم» در صفحه ۱۴، قبل از ارائه تعاریفی از تحریم اقتصادی و بیان انواع این تحریم‌ها در صفحات بعد یکی از مصادیق عدم انسجام درونی است. ارائه موضوع «چهارچوب تحلیل»

در صفحه ۱۶، پیش از پایان یافتن مباحث مقدماتی و قبل از تعریف تحریم اقتصادی، نمونه دیگری از عدم انسجام است. به کارگیری عنوان «مفاهیم کلیدی نظریه بازی» در صفحه ۴۴ با توجه به محتوای مطالب مندرج در زیر این عنوان اشتباه است. عدم شماره گذاری مسلسل عناوین (به ویژه از صفحه ۵۴ تا ۷۲) امکان دنبال کردن منطقی مباحث را مختل کرده و نظم و انسجام مطالب را مخدوش کرده است. از نمونه‌های دیگر ضعف کتاب در این زمینه، می‌توان به این موارد نیز اشاره کرد: طرح مبحثی با عنوان «ماهیت و هدف تحریم‌های اقتصادی» در صفحات ۱۶۱ تا ۱۶۴ در فصل دوم با توجه به این که این فصل اختصاص به تاریخچه استفاده از تحریم‌های اقتصادی در جهان دارد؛ ارائه مطالبی در مورد «عوامل تقلیل دهنده آثار تحریم‌ها بر ایران» در صفحات ۹۷ تا ۲۹۲ نامناسب است؛ بحث درباره «عوامل تشدیدکننده آثار تحریم‌های اقتصادی اخیر بر ایران» در صفحات ۲۹۷ تا ۳۰۳ در فصل چهارم به جا نیست؛ طرح موضوع «آثار تحریم‌ها بر بازارها و متغیرهای کلیدی» در صفحات ۲۶ تا ۳۱۷ در فصل پنجم باید در مبحث مبانی نظری فصل اول منظور می‌شد؛ و طرح مبحث مقابله با تحریم‌های اقتصادی در فصل پنجم، که ماهیتاً بخشی از ادبیات نظری موضوع به شمار می‌رود، نشانی دیگر از این ضعف است.

۴.۳ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌ها

در این قسمت، استحکام تحلیل و تبیین علمی را با توجه به مبانی و پیش فرض‌های علمی و پژوهشی و قدرت نقد مستند و علمی نظرات مطرح شده بررسی می‌شود. در پیش‌گفتار کتاب (صفحه ۹)، دو هدف «ارتقای سواد عمومی مردم عادی و تقویت سواد تخصصی نخبگان اقتصادی» و «تدوین معیاری برای اندازه‌گیری و سنجش آثار و تبعات تحریم اقتصادی» ذکر شده است. در کنار این اهداف بر پیش فرض وجود توأم هزینه و فایده در هر تحریم اقتصادی برای هر دو کشور تحریم‌کننده و تحریم‌شونده تأکید شده است. در خصوص اهداف یادشده، حتی اگر مسامحتاً بپذیریم که مطالب اثر در مجموع موجب ارتقای سواد عمومی مردم عادی و تقویت سواد تخصصی نخبگان اقتصادی می‌شود، بی‌شک هدف دوم محقق نشده است؛ زیرا اثر هیچ تلاشی برای تعریف معیاری برای اندازه‌گیری و سنجش آثار و تبعات تحریم‌های اقتصادی نکرده است تا به وسیله آن پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی تحریم‌ها سنجیده شود. در خصوص پیش فرض مطرح شده نیز باید گفت که مباحث فصول سوم و چهارم کتاب، که به ارائه تجربیات تحریم‌های

اقتصادی کشورهای مختلف اختصاص دارد، سازواری لازم را با پیش فرض مذکور ندارد. زیرا در مورد فواید تحریم‌ها برای کشورهای تحریم‌کننده مطلبی ذکر نشده و صرفاً بر هزینه‌های تحریم‌ها تأکید شده است. در فصل پنجم، آثار و تبعات مثبت و منفی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به صورت توصیفی بررسی شده است. در این فصل در مورد فواید تحریم‌ها و پی‌آمدهای مثبت آن بر اقتصاد ایران و به تأثیر مثبت تحریم‌ها بر بخش‌های کم‌تر وابسته به واردات و البته برخوردار از فرصت‌های صادراتی اشاره شده است (صفحه ۳۲۰). هرچند این نتیجه‌گیری‌ها در راستای پیش فرض‌های اثر است، لیکن فقدان آمار و اطلاعات کافی و مستند در این خصوص باورپذیری وجود چنین فایده‌ای برای تحریم‌های اقتصادی را مشکل و غیرمستند کرده است. در صفحه ۳۲۳ ادعا شده است که تحریم‌ها اثرات مثبت میان‌مدت بر کاهش بی‌کاری در اقتصاد ایران داشته است. اما برخلاف این ادعا، بررسی آمارهای موجود حکایت از افزایش بی‌کاری و رکود اقتصادی در دوران تشدید تحریم‌های اقتصادی دارد. براساس شواهد آماری، در سال‌های قبل از توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با پنج قدرت بزرگ جهان (برجام)، کشور با نرخ‌های رشد اقتصادی منفی مواجه بوده است. بررسی آثار تحریم‌های صادراتی، وارداتی، و مالی بر اقتصاد کشورهای تحریم‌شونده مستند به یافته‌های مطالعه دروری (۲۰۰۵) نیز نشان‌دهنده این واقعیت است که به‌طور خالص هزینه‌های تحریم به‌مراتب بیش از منافع آن بوده است. دیگر آن‌که، تأکید اثر بر این است که زیان‌آوردن تحریم‌ها نامشخص است و برای ارزیابی نتایج هر تحریم باید یک تجزیه و تحلیل هزینه - فایده انجام داد. به‌نظر می‌رسد این ادعا منطبق ضعیفی دارد. اصولاً اگر تحریم‌ها سودمند است، در این صورت حربه تحریم در اساس، «سالبه به انتفاء موضوع» خواهد بود. البته این ادعا ماهیتاً بسیار متفاوت با این تحلیل است که می‌توان «تهدید تحریم‌ها را با توجه به فرصت‌های موجود به حداقل ممکن رساند». تحریم ذاتاً تهدید و طبیعتاً زیان‌آور است و تبدیل تهدید به فرصت (که در محاورات مسامحتاً به‌کار می‌رود) منطقی‌مقدور نیست؛ زیرا براساس روش تجزیه و تحلیل «فرصت‌ها - تهدیدها و نقاط قوت - نقاط ضعف»، ویریچ (Wehrich 1990) و ماتریس سوات (Strength, Weakness, Opportunity, and Threat: SWOT) اصولاً فرصت‌ها و تهدیدها عوامل بیرونی خارج از اختیار کشور است. برای مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌های بیرونی باید براساس نقاط قوت و ضعف درونی به تدوین راه‌برد اقدام کرد. این راه‌بردها عبارت‌اند از: الف) راه‌برد تهاجمی (offensive strategy) مبنی بر حداکثرکردن نقاط قوت داخلی برای

حداکثر استفاده از فرصت‌های خارجی (Maxi Max) است، ب) راه‌برد رقابتی (competitive strategy) مبنی بر حداکثر کردن نقاط قوت داخلی برای حداقل کردن اثر تهدیدهای خارجی (Maxi Min) است، ج) راه‌برد محافظه‌کارانه (conservative strategy) مبنی بر حداقل کردن نقاط ضعف داخلی برای حداکثر استفاده از فرصت‌های خارجی (Mini Max) است، و د) راه‌برد تدافعی (defensive strategy) مبنی بر حداقل کردن نقاط ضعف داخلی برای تقلیل اثرات تهدیدهای خارجی (Mini Min) است.

۵.۳ اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی

به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی در هر رشته از علوم امری اجتناب‌ناپذیر است. از آن‌جاکه واژه‌ها و اصطلاحات رشته‌ها تخصصی است، دقت در کاربرد و معادل‌سازی دقیق اصطلاحات علمی و تخصصی لازم است. در این اثر کلمات و اصطلاحات تخصصی انگلیسی فراوانی به‌کار رفته است که معادل‌های نسبتاً خوبی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. البته در مواردی اشکالاتی نیز مشاهده می‌شود که نمونه‌هایی از این موارد قابل اشاره است: استفاده از معادل‌های «ضریب تحریم» برای اصطلاح «sanctions multiplier» به‌جای معادل صحیح «ضریب فزاینده تحریم‌ها» در سطر ۵ صفحه ۲۶؛ «دومین سیاست بهینه» برای اصطلاح «second-best policy» به‌جای معادل صحیح «سیاست دومین بهینه» در سطر ۱۶ صفحه ۷۲؛ «مدل ممنوعیت منابع» برای عبارت «resource denial model» به‌جای معادل صحیح‌تر «الگوی انکار منابع» در سطر ۷ صفحه ۱۱۴؛ «ناخالص تجاری» به‌جای واژگان صحیح «تجارت ناخالص» در سطر ۵ صفحه ۱۳۵؛ «تعادل رفتاری» به‌جای معادل صحیح «رفتار تعادلی» برای اصطلاح «balancing behavior» در سطر ۱۲ صفحه ۱۳۷؛ «قراردادهای آزاد تجاری» به‌جای معادل صحیح «موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد» برای اصطلاح «free trade agreement» در سطر ۸ صفحه ۲۲۸؛ «شبکه‌های جاسوسی» و «جنگ‌های اقتصادی» به‌ترتیب به‌جای معادل‌های صحیح‌تر «شبکه جاسوسی» و «جنگ اقتصادی» برای اصطلاحات «intelligence network» و «economic war» در سطور ۶ و ۱۳ صفحه ۲۲۹؛ و «بیمه مجدد» برای واژگان «reinsurance» به‌جای معادل صحیح «بیمه اتکایی» در سطر ۱۷ صفحه ۲۹۶.

در مواردی نیز معادل‌سازی اصطلاحات صحیح است، اما بهتر بود از معادل‌های مناسب‌تری استفاده می‌شد؛ به‌طور مثال، استفاده از «بازی‌های تکراری» به‌جای «بازی‌های

متوالی» برای اصطلاح «repeated games» در سطر ۵ صفحه ۴۵؛ «اثرات سرریز» به جای «اثرات اشاعه‌ای» برای اصطلاح «spillover effects» در سطر ۱۰ صفحه ۴۷؛ و «بازی تصادفی» به جای «بازی اتفاق» در سطر ۹ صفحه ۶۶ مناسب‌تر است. در بسیاری از موارد، معادل‌های انگلیسی اسامی اشخاص و عناوین منابع مورداستناد در متن اصلی در پانویست آورده نشده است. تنوع و تعدد این موارد در سرتاسر اثر باعث شده است تا از بیان نمونه خودداری شود.

۶.۳ سازواری با ارزش‌ها

مسئله تحریم اقتصادی در این اثر از زاویه علمی بررسی شده است و مطالب منافاتی با اصول و پیش‌فرض‌های اسلامی ندارد. پرداختن به موضوع تحریم‌های اقتصادی و تدوین و گردآوری مطالب در قالب یک اثر علمی باتوجه‌به شرایط موجود و تجربیات تلخ تحریم‌های اقتصادی چند دهه اخیر کشور در راستای ارزش‌های اسلامی و ایرانی قرار دارد. مباحث فصل پنجم با عنوان «مقدمه‌ای بر مقابله با تحریم اقتصادی» کاملاً منطبق بر اصل اسلامی فضیلت مقاومت درمقابل ظلم و ظالم است.

۷.۳ اعتبار منابع و روزآمدی داده‌ها

استفاده از منابع معتبر و به‌کارگیری داده‌ها و اطلاعات روزآمد در نگارش کتب و مقالات از جمله مهم‌ترین اصولی علمی است. در این اثر از منابع فراوانی یاد شده است، لیکن بسیاری از مطالب آن از تنها چند منبع معدود اقتباس شده است. کتاب‌های تحریم‌های اقتصادی: سیاست‌های بین‌المللی و اقتصاد سیاسی در عمل آیلر (Eyler 2007)، و تحریم‌های اقتصادی بازنگری شده هافبائور و همکاران (Hufbauer et. al. 2007)، که از کتب معتبر در این حوزه به‌شمار می‌روند، بیش‌ترین تأثیر را بر این کتاب گذاشته‌اند.

این اثر از حیث روزآمد بودن داده‌ها و اطلاعات مناسب است. پرداختن به الگوهای مختلف نظری اقتصاد تحریم و ارائه تاریخچه مفصلی از تحریم‌های اقتصادی در ایران و جهان از نقاط مثبت آن به‌شمار می‌رود. از کاستی‌های این بخش می‌توان به عدم ارائه سابقه تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بعد از سال ۲۰۱۱ و هم‌زمان با تشدید این تحریم‌هاست. عدم استناد به آمار و اطلاعات تأییدکننده ادعاها در مبحث «آثار تحریم‌های اقتصادی بر متغیرهای کلیدی» در فصل پنجم از کاستی‌های دیگر این اثر است.

۸.۳ نوآوری

تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است، بررسی ماهیت تحریم‌ها و آثار آن بر اقتصاد کشور در قالب یک کتاب تخصصی از اقدامات بسیار مفید است. با وجود این، اثر نوآوری خاصی ندارد.

۴. نتیجه‌گیری

اثر به لحاظ ابعاد شکلی ایرادات فراوانی دارد. ضعف در حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و وجود اغلاط املائی از این جمله است. اثر از نظر ادبی ویراستاری نشده و از حیث رعایت قواعد نگارش و اصول ویرایش ضعیف است. عدم استفاده صحیح از نشانه‌های سجاوندی از اشکالات بسیار مشهود است. از خصوصیات مثبت اثر برخورداری از متنی روان و سلیس است. تطابق محتوای اثر با عنوان آن خوب و فصل‌بندی کتاب مناسب است. اما تسلسل و پیوند مطالب مندرج درون هر فصل در مجموع راضی‌کننده نیست و انسجام درونی را خدشه‌دار کرده است.

از نقاط ضعف اساسی اثر نحوه ارجاعات و استنادات به منابع و شیوه فهرست‌نویسی مآخذ است. توان استدلال، تحلیل، و تبیین علمی اثر راضی‌کننده نیست. علی‌رغم هدف‌گذاری برای ارائه معیاری برای اندازه‌گیری آثار تحریم‌ها، هیچ اثری از تعریف چنین معیاری یافت نمی‌شود. پیش‌فرض اثر وجود توأم هزینه و فایده برای تحریم‌کننده و تحریم‌شونده است. اما هزینه‌های تحریم‌شونده‌ها مطرح شده و فواید آن برای تحریم‌کننده‌ها مسکوت مانده است. بدون استدلال منطقی ادعا شده است که تحریم‌ها پی‌آمدهای مثبتی بر اقتصاد ایران داشته است. سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های مقبول آن مطلوب نیست. اثر با ارزش‌های اسلامی و ایرانی تناسب خوبی دارد. اشکالات متعددی در نحوه معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی وجود دارد. باتوجه به شکل، روش، محتوا، و توان تحلیل و تبیین، این اثر به‌عنوان منبع درسی کاربرد آموزشی چندانی ندارد.

باتوجه به این ارزیابی‌ها، پیشنهادها به این شرح است. در صورت تجدیدچاپ، اثر حتماً از لحاظ ادبی ویرایش اصولی، از نظر فنی بازنگری اساسی، و از نظر ارجاعات و استنادات کلاً دگرگون شود. مطالب پس از بازنگری، با استدلال منطقی، به صورت علمی تحلیل و تبیین شود. پیش‌فرض‌ها و اهداف کتاب بازنگری شود. هم‌چنین باتوجه به این که مطالب زیادی از

کتاب از متون انگلیسی اقتباس شده است، یک بخش برای تعریف دقیق واژگان و اصطلاحات تخصصی اضافه شود.

کتاب‌نامه

آذربایجانی، کریم، سیدکمیل طیبی، و حلیمه صفادرگیری (۱۳۹۱)، «اثر تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر تجارت دوجانبه ایران و شرکای عمده تجاری آن: کاربرد مدل جاذبه»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۱۱۲.

طغیانی، مهدی (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم: مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران*، تهران: نیلوفران.

یزدان‌پناه، احمد (۱۳۷۴)، «تحلیلی تئوریک از تحریم‌های اقتصادی»، *بررسی‌های بازرگانی*، ش ۹۸.

Eyler, R. (2007), *Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work*, New York: Palgrave Macmillan.

Hufbauer, G. C. et al. (2007), *Economic Sanctions Reconsidered*, 3rd Edition, Washington DC: Institute for International Economics.

Wehrich, H. (1990), "The SWOT Matrix: A Tool for Situational Analysis", in: Dyson R. G. (ed.), *Strategic Planning: Models and Analytical Techniques*, New Jersey: Wiley.